

اشاره: مطلب پیش‌رو، گفتگوی نشریه فرهنگ پویا با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسین‌خانی، عضو هیئت علمی گروه اخلاق موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی است که تقدیم حضورتان می‌شود.

خودسازی، جامعه‌سازی مقدمه‌ی تمدن اسلامی

را ذکر می‌کنند که این‌ها در تمدن غرب و اخلاق غرب چه بسا وجود دارد؛ مثل گذشت، مهربانی، وجدان کاری و... ولی در معنویت ی مواردی را ذکر می‌کنند که ما دیگر آن‌ها را در آن‌جا نمی‌بینیم. بحث ایمان به خدای متعال، توکل، اخلاص، ایثار و... از مواردی است که فقط جهان‌بینی الهی بر آن حاکم است. از این جهت به نظر می‌آید که این موارد معنوی از مواردی است که در تمدن غربی به چشم نمی‌خورد؛ یعنی آن‌جا نهایتاً اگر بخواهد اخلاق رعایت شود که نمی‌شود در حد مناسبات فردی و اجتماعی، احترام به دیگران، نظم و... است. ولی شما دیگر چیزی به اسم اخلاص آن‌جا مشاهده نمی‌کنید.

فرهنگ پویا: ضمن تقدیر از وقتی که برای این مصاحبه گذاشتید در بیانیه‌ی گام دوم به یکی از مواردی که بسیار تأکید می‌شود بحث معنویت است. اولین سؤال این است که نقش معنویت و اخلاق در حوزه‌ی تمدنی چیست؟ این مطلب را با توجه به درگیری ما در حوزه‌ی تمدن غرب توضیح بفرمایید؟
- همان‌طور که اشاره فرمودید نقطه‌ی اصلی اختلاف تمدن اسلامی با تمدن غربی همین جنبه‌ی اخلاقی و معنوی هست. آقا در بیانیه‌ی یک، ابتدا در مورد اخلاق و معنویت توضیحی می‌دهند و مصادیق این دو را روشن می‌کنند. در اخلاق وقتی وارد می‌شوند مواردی

فرهنگ پویا: بالاترین واژه‌ای که وجود دارد قرب الهی است و این مبنایی‌ترین موضوع در حوزه تفکر اسلامی است که در غرب وجود ندارد. آیا می‌توان گفت همین مبنایی‌ترین خلأ غرب است؟

- بله. اگر بشریت بخواهد استعدادهای بالقوه‌ی خود را تا رسیدن به کمال، تبدیل به بالفعل کند، راهی ندارد مگر این که ربوبیت الهی، سلسله مراتب ولایت الهی و انجام عمل صالح خالصانه به صورت فردی و جمعی را بپذیرد. عمل صالح باید متناسب با آن دو اصل باشد. این سه اصل حتماً باید اتصال به وحی پیدا کند و بدون اتصال به وحی نمی‌شود آن‌ها را پیاده کرد و آن استعدادها را بالقوه‌ای راکه در انسان وجود دارد به بالفعل، تبدیل کرد. فقط مقام خلیفه الهی است که می‌تواند به آن جا برسد. به همین دلیل رعایت این موارد، یک نوع تمدن را شکل می‌دهد که با تمدن غربی، که اساساً این اصول را کنار گذاشته‌اند، متفاوت است؛ لذا بین این دو تراجم ایجاد می‌شود. اتصال به نامحدود می‌تواند انسان را به نامحدود شدن نزدیک کند؛ چون این استعدادها متعددی که در انسان است، در صورتی بالفعل می‌شود که بتواند به آن نامحدود خدای متعال نزدیک شود. از این رو انسان هرچقدر نزدیک‌تر شود، استعدادهای او بیشتر به فعلیت نزدیک می‌شود.

فرهنگ پویا: یکی از اساتید ما، این را این‌گونه مثال می‌زد و می‌گفت من یک علمی دارم که شما آن علم را ندارید و بدون ارتباط با من اعم از گفتاری، نوشتاری و... نمی‌توانید این علم را کسب کنید. اگر شما بخواهید علم من را کسب کنید باید با من ارتباط پیدا کنید. سپس ایشان می‌گفت: کمال مطلق خداوند است؛ یعنی عالم مطلق خداست و علم او بی‌نهایت است. اگر ما بخواهیم به این علم بی‌نهایت دسترسی پیدا کنیم، باید به خدا متصل شویم و این توانایی هم در بشر وجود دارد و می‌تواند این کار را انجام دهد و به علم بی‌نهایت دسترسی پیدا کند.

- این مثال را می‌توان به ارتباط با اینترنت زد. من وقتی به اینترنت ارتباط ندارم از هیچ‌جا خبر ندارم وقتی من متصل به اینترنت می‌شوم می‌توانم به همه‌ی اطلاعات دسترسی پیدا کنم. پس باید این اتصال با کمال مطلق پیدا شود تا به کمال مطلق رسید.

فرهنگ پویا: به نظر شما تعریف معنویت از منظر دین چیست؟

- شاید الان نتوانم تعریف دقیقی از منظر دین را ارائه بدهم؛ اما در بیانیه‌ی گام دوم هم تعریفی نیست؛ ولی مقام معظم رهبری با ذکر مصادیق، تالیف‌های تمایز بین معنویت و اخلاق را روشن کردند. ایشان اخلاص، توکل، ایثار و ایمان را از مصادیق معنویت به شمار آوردند و مواردی مثل مهربانی، گذشت و کمک به هم نوع را از مصادیق اخلاق ذکر کردند.

فرهنگ پویا: آیا با ذکر این مثال‌ها می‌توانیم این‌گونه عنوان کنیم که خصلت‌هایی که با کمال مطلق ارتباط دارد، معنویت است و تأثیرات آن‌ها در حوزه‌ی عمل، اخلاق است؟

- در مورد معنویت همین‌گونه است؛ اما در مورد اخلاق صحیح نیست؛

نمی‌توان گفت اخلاق، اثرات ناشی از ارتباط با کمال مطلق است. شما می‌دانید در یک جامعه‌ی کمونیستی هم کمک به هم نوع در شکل عالی، مهربانی، خوش اخلاقی، خوش رفتاری، کمک به همسایه و... وجود دارد؛ ولی لازمه‌ی آن، حتماً ارتباط با کمال مطلق نیست، در واقع ارتباط هست؛ ولی خود آن‌ها به آن توجه ندارند. به نظر من در معنویت، ارتباط با خدای متعال و کمال مطلق در آن لحاظ شده؛ اما در اخلاق یک سری ویژگی‌ها و صفات اخلاقی هست که لزوماً در ارتباط با کمال مطلق تحقق پیدا نمی‌کند؛ مثل همین مهربانی و خوش اخلاقی که بسیاری ممکن است ارتباط با کمال مطلق نداشته؛ ولی با اطرافیان خود خوش رفتار باشند و با گذشت و مهربان باشند.

فرهنگ پویا: تا قبل از انقلاب اسلامی یک نوع معنویت در میان جامعه‌ی ما وجود داشت؛ اما بعد از انقلاب اسلامی این معنویت تغییر پیدا کرده است، چه تفاوتی بین این دو معنویت وجود دارد؟

- شاید تفاوت آن‌ها به این شکل باشد که قبل از انقلاب یک معنویت گوشه‌نشینی و انزواگرایانه مطرح بود؛ ولی امروز یک معنویت فعال که در تمام عرصه‌ها حضور دارد، رواج دارد. قبل از انقلاب هم خیلی‌ها بودند که اخلاص و توکل به خدا داشتند و آن جنبه‌های اخلاقی را به صورت فردی و جدا از دیگران، رعایت می‌کردند و کمتر در قالب‌های اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کردند. اما بعد از انقلاب، به لطف اخلاص حضرت امام علیه السلام، این جنبه‌های اخلاقی، از حالت فردی بیرون آمد و یک شکل جمعی پیدا کرد. نمود این حالت جمعی را در حوزه‌های مختلف از جمله روزهای انقلاب و یا دفاع مقدس می‌توان دید. در واقع این تفاوت بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب و بین شرایط فعلی کشور ما با سایر کشورها، از برکات انقلاب اسلامی است. به نظر من پیدایش شکل اجتماعی اخلاق و معنویت، از جمله مهم‌ترین تمایزاتی است که بین اخلاق قبل از انقلاب و بعد از انقلاب وجود دارد. یک نمونه معنوی که مقام معظم رهبری اتفاقاً در بیانیه به آن اشاره می‌کنند بحث اعتکاف است. تعداد محدودی قبل از انقلاب معتکف می‌شدند. اما بعد از انقلاب این امر، رشد قابل توجهی داشته است که در اقصی نقاط کشور دارد اتفاق می‌افتد. اصلاً اعتکاف یک معنویت اجتماعی است؛ چون می‌گویند باید در مسجد جامع برگزار شود؛ این از جنبه‌ی اجتماعی آن است.

فرهنگ پویا: با توجه به این دو فرمایش حضرت عالی، آیا اخلاق و معنویت فردی توانایی تمدن‌سازی را دارد؟

- اگرچه اخلاق و معنویت فردی در حوزه‌ی تمدن‌سازی مورد تأیید است؛ ولی توانایی تمدن‌سازی را ندارد. آن رفتار و معنویت که به صورت جمعی در تمام حوزه‌ها؛ سیاست، اقتصاد، فعالیت فرهنگی و... ظهور و بروز پیدا می‌کند در تمدن‌سازی نقش ایفا می‌کند. حضرت آقا از آن به عنوان جامعه‌سازی تعبیر می‌کنند. در واقع این جامعه‌پردازی است که قدرت تمدن‌سازی دارد. حضرت امام یک چنین کاری را انجام دادند؛ ایشان با آن روح بلندی که داشتند، معنویت غیرتمدن‌ساز را به یک معنویت تمدن‌ساز که زمینه‌های ظهور حضرت بقیه الله الاعظم را فراهم خواهد کرد، تبدیل کردند؛ مثلاً بعضی علمای اخلاق

شاگردهای خاصی دارند و کلی زحمات می‌کشند تا تعداد معدودی را پرورش دهند. اما مدل حضرت امام این‌گونه نبوده و این اخلاق و معنویت را در سطح جامعه مطرح می‌کردند. مقام معظم رهبری نیز شاگرد خاصی ندارند؛ ولی ایشان هم، اخلاق و معنویت را در همه جای جامعه و حتی در سایر کشورها تزیق می‌کنند و آن روح ارتباط و توکل و ایمان به خدای متعال را در همه جا و همه‌ی حوزه‌ها نشر می‌دهند. شاید این تعبیر دیگری از تمدن‌سازی باشد. شما ببینید همین بچه‌های نوجوان در زمان جنگ که شاید سیزده سال بیشتر نداشتند و به جبهه‌ها می‌رفتند، فرمایش امام را با بیان خود می‌گفتند: «ما هیچ کاره‌ایم، هر کاری کرده، خدا کرده هر توفیقی ما پیدا کردیم، خدا داده است.» این همان معنویت تمدن‌ساز است که به جای این که به‌صورت انفرادی، افراد را تحت تأثیر قرار دهند، کل جامعه را مورد توجه قرار می‌دهند و کل جامعه در تمام حوزه‌ها این‌گونه حضور پیدا می‌کنند.

فرهنگ پویا: آیا این تربیت اجتماعی ما را از تربیت فردی بی‌نیاز می‌کند؟

- قطعاً بی‌نیاز نمی‌کند. بلکه از تربیت آحاد جامعه می‌توان به تربیت جامعه رسید. افرادی که قرار است تمدن‌سازی کنند ابتدا باید اخلاق و معنویت در آن‌ها جامع و کامل باشد تا بتواند جامعه را بسازند. اساساً خودسازی مقدمه‌ای برای دیگرسازی و جامعه‌پردازی است.

فرهنگ پویا: انقلاب اسلامی در گام اول از لحاظ معنویت، اخلاق و تعمیق آن در جامعه دستاوردهایی داشته است؛ از جمله این که معنویت و اخلاق فردی را به معنویت و اخلاق اجتماعی تبدیل کرده که توان تمدن‌سازی دارد. حتی توان نجات بشریت را دارد؛ چون مقابله با استکبار می‌کند و این روحیه‌ی استکباری‌ستیزی ظرفیت‌های بزرگی را ایجاد کرده است. یکی از موضوعاتی که ما الان داریم گسترش و تعمیق تربیت معنوی و اخلاقی است. ما می‌خواهیم با استفاده از ظرفیت‌های موجود این کار را انجام دهیم؛ اما با معضلات، موانع و تهاجماتی روبرو هستیم که این تهاجم‌ها بسیار جدی و با هزینه‌های زیادی از طرف تمدن غربی صورت می‌گیرد. حتی ما شاهد برخی از اتفاقات در حوزه‌ی اجتماعی خود هستیم که ناشی از اثرات آن تهاجم‌ها است. به هر حال این‌ها موانع و مشکلات که برای تربیت معنوی و اخلاقی است. بفرمایید ما در این زمینه با چه معضلات درونی و بیرونی روبرو هستیم؟ آیا معضلات ما، معضلات و مشکلات ساختاری است؟ یا معضلات و مشکلات رفتاری است؟ یا معضلات و مشکلات مدیریتی است؟ یا هر سه است؟

- اتفاقاً حضرت آقا در بیانیه به این موضوع اشاره کردند. ایشان بعد از این مقدمه که از تعریف اخلاق، معنویت و مصادیق آن بیان می‌کنند، می‌فرمایند معنویت نیاز اصلی جامعه است. اگر به این نکته در جامعه توجه شود، مردم مثل آب و نان که نیاز اصلی است و برای آن برنامه‌ریزی جدی می‌کنند، برای اخلاق و معنویت هم به هیچ وجه کوتاه نمی‌آیند و همان کارها را می‌کردند؛ لذا

حضرت آقا می‌فرمایند که این نیاز به تلاش و جهاد دارد؛ یعنی بدون تلاش و جهاد اخلاق و معنویت تحقق پیدا نمی‌کند. سپس ایشان در ادامه می‌گویند که در این جا حکومت‌ها هم بی‌تأثیر نیستند! البته اشاره می‌کنند که قطعاً اخلاق و معنویت با زور به دست نمی‌آید؛ اما به چند نکته اشاره دارند که حکومت‌ها می‌توانند در این جهت مؤثر باشند. به نظر من این چند نکته جالب است، یکی از آن‌ها حکومت‌ها هستند که در درجه‌ی اول خود آن‌ها باید به اخلاق و معنویت پایبند و متعهد باشند. ایشان در همین بیانیه اشاره کردند که اخلاق و معنویت از طرف خود حضرت امام و به‌خاطر آن روحیه‌ی امام، در جامعه نشر و گسترش پیدا کرد. بنابراین حاکم قبل از این که دغدغه‌ی جامعه را داشته باشد، باید خود یک فرد اخلاقی و معنوی باشد. وقتی یک کارگزار، اعم از قوای سه‌گانه؛ قوه‌ی مجریه، قضاییه، مقننه و یا تک تک نمایندگان خود دغدغه‌ی اخلاق و معنویت نداشته باشند و به فکر مسایل مادی باشند، مسلماً برای جامعه هم نمی‌توانند کاری کنند. پس در درجه‌ی اول باید خود آن‌ها ساخته شده باشند تا بتوانند مؤثر باشند. رهبرانقلاب می‌فرمایند: «هر چند حکومت با زور نمی‌تواند مردم را اخلاقی و معنوی کند؛ اما حکومت باید زمینه‌ها را، از جهت کمی و کیفی، فراهم کند؛ مثلاً به عنوان نمونه همین حذف ویزا برای سفر اربعین در امسال، یک زمینه را فراهم کرد تا یک جمع خیلی زیادی که توان لازم را نداشتند، در آن سفر معنوی شرکت کنند. با یک تدبیر خیلی مختصر زمینه برای بسیاری فراهم شد. در همین جا لازم است از کسانی که برای این کار زحمت کشیدند، قدردانی کرد. چه بسا لازم نباشد دولت و حکومت خود مستقیم وارد شود؛ اما می‌تواند با مجموعه‌ها، موسسات، سازمان‌ها و نهادهایی که دارند در این زمینه خودجوش کاری انجام می‌دهند هم‌کاری کرده، اولاً تاحدی دست آن‌ها را برای فعالیت در حوزه‌ی اخلاق و معنویت باز بگذارد و ثانیاً همان‌گونه که به موسسات، سازمان‌ها، مراکز دانش‌بنیان در زمینه‌ی علمی- اقتصادی کمک می‌شود، به آن‌هایی که در زمینه‌ی اخلاق و معنویت فعالیت دارند، نیز کمک کند. یکی از اصلی‌ترین کارهایی که می‌توان کرد، ترویج و تشویق به نهادهای مردمی در این زمینه است. سومین نکته‌ای که مقام معظم رهبری در این زمینه دارند، در یک جمله‌ی خیلی کوتاه می‌فرمایند: «با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت به شیوه‌ای معقول بستیزند.» این جمله چند کلمه بیشتر نیست؛ ولی واقعاً هر کلمه‌ی آن دریایی است. این که می‌گویند: «با کانون‌های ضد اخلاق و معنویت» لازمه‌ی آن، یک مجلس دغدغه‌مند در مسایل اخلاقی و معنویت است، که برود کانون‌ها را پیدا کند. فقط به دنبال معلول‌ها نباشند؛ بلکه به دنبال کانون‌هایی که مخالف جریان اخلاقی و معنوی جامعه هستند، باشند. آن‌ها را با کمک سازمان‌های امنیتی که بخش دیگری از حکومت هستند، شناسایی کنند و با به شیوه‌ای معقول با آن‌ها برخورد شود. اگر غیرعقلانه عمل شود این، اثر سوء و برعکس می‌تواند داشته باشد. این که با چه شیوه‌ای با این‌ها مقابله شود خیلی مهم است. یک وقت کانون‌هایی هستند که کار ضد اخلاقی و معنوی ندارند؛ اما برخی از این‌ها هستند که



اگر چه اخلاق و معنویت

فردی در حوزه‌ی

تمدن سازی مورد تأیید

است؛ ولی توانایی

تمدن سازی را ندارد.

آن رفتار و معنویت که به

صورت جمعی در تمام

حوزه‌ها؛ سیاست، اقتصاد،

فعالیت فرهنگی و... ظهور

و بروز پیدا می کند در

تمدن سازی نقش ایفا

می کند. حضرت آقا از

آن به عنوان جامعه سازی

تعبیر می کنند. در واقع این

جامعه پردازی است که

قدرت تمدن سازی دارد

فرهنگ پویا: آیا موانع تربیت معنوی و اخلاقی مشکلات ساختاری است، یا مشکلات رفتاری است؟ به عبارت دیگر آیا در ساختارها اشکالی وجود دارد یا ذهنیت‌هایی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد ساختار صحیح کار کند؛ به عنوان مثال: آموزش و پرورش و آموزش عالی ما مشکلات ساختاری برای تربیت معنوی و اخلاقی افراد جامعه دارند یا نه مشکلات رفتاری و مدیریتی دارند؟

- هر چند در ساختارها تا حدی اشکالات وجود دارد؛ ولی به نظر من عمده‌ی مشکلات به رفتار مدیران ما برمی‌گردد! ببیند ما در کشور مرکزی؛ مثل دانشگاه امام صادق، دانشگاه رضوی، موسسه‌ی امام خمینی و... را داریم که دارای تولیدات و دانش آموختگان معنوی، متخلق، معتقد به مبانی انقلاب و مروج تمدن اسلامی و دغدغه‌مند نسبت به آن هستند. این مراکز در همین نظام آموزش عالی کشور فعالیت می‌کنند، حتی چه بسا همان درس‌ها و سرفصل‌های آموزش عالی را ارائه می‌کنند؛ اما جاهای دیگر این اتفاق نمی‌افتد و خروجی آن‌ها خیلی متفاوت است. مگر در آن مراکز چه اتفاقی می‌افتد که خروجی آن‌ها با سایرین متفاوت است؟ قطعاً این ناشی از ساختار نیست بلکه به ذهنیت‌ها و رفتار مدیران آن‌ها برمی‌گردد. در آن مراکز تا حد امکان روی استادی که برای دانشجوی حرف می‌زند، حساسیت دارند، هر کسی را نمی‌آورند! حتی در مورد متون، سعی می‌کنند متونی را استفاده کنند که کم‌تر آسیب بزند. بالاخره روی متون آن‌گونه که باید کار شود،

ضدیت دارند؛ مثلاً یکی از این کانون‌های ضد اخلاق و معنویت در بهمن ماه سال گذشته آمده بود برای پوشش خانم‌ها ماتوهای شیشه‌ای را تولید و ترویج می‌کرد. این‌ها برای ضدیت با اخلاق و معنویت دینی در جامعه برنامه‌ریزی می‌کنند. نمونه‌ی دیگر این کانال آمدنیوز است، که یکی از کانون‌های ضد اخلاق و معنویت است. به چند شیوه می‌شد با آن مقابله کرد. یکی مقابله‌ی مستقیم است. معلوم است که این اثر مثبت ندارد. یکی مقابله‌ای است که سال گذشته اتفاق افتاد؛ یک کسی با آن‌ها ارتباط برقرار کرد و اطمینان آن‌ها به او جلب شد و هر چه داشتند گفتند. نتیجه‌ی آن این شد که بدون برخورد یا تقابل مستقیم، آبروی آن مجموعه رفت. اگر ما بخواهیم به شیوه‌ی معقول عمل کنیم، نیاز به فکر دارد. باید اتاق‌های فکر از صاحب‌نظران مختلف؛ روان‌شناس، جامعه‌شناس و... برای این کارها تشکیل شود. آخرین کلمه‌ی آقا در آن جمله این است که «بستیزند» آقا نمی‌گویند مواجهه شوید! بلکه با کانون ضد اخلاق و معنویت باید بستیز کرد و جنگید؛ اما جنگ آن باید یک جنگ معقول باشد و سعی شود اثر منفی نداشته باشد. مقام معظم رهبری این سه کار را از مجموعه‌ی مدیریتی کشور می‌خواهد؛ اول خود را بسازند، دوم زمینه‌ها را فراهم کنند و سوم، آن‌جایی که کانون ضد اخلاق و معنویت هست با شیوه‌ی درست با آن‌ها مقابله کنند.



نشده و متون ما به‌ویژه در زمینه‌ی علوم انسانی، متون اسلامی نشده است. یا با آن‌ها نقادانه برخورد می‌کنند. هم‌چنین در کنار آموزش‌ها، برنامه‌های تربیتی، اخلاقی و معنوی را قرار می‌دهند. مثلاً زمینه‌های مشارکت دانشجویان را در اربعین آماده می‌کنند؛ یک تعطیلی درست می‌کنند که دانشجو بتواند شرکت کند و... در آن طرف برخی از مراکز ممکن است خیلی خشک برخورد کنند و بگویند مقررات ما اجازه‌ی چنین چیزی را نمی‌دهد. حتی این در حوزه‌های علمیه هم نیز وجود دارد. ممکن است ایرادهایی به ساختار وارد باشد؛ اما یک وقت می‌بینید که؛ مثلاً در فلان مدرسه‌ی علمیه طلبه‌های آن با سایر مدارس متفاوت است؛ مثلاً هم انقلابی و هم اخلاقی هستند؛ اما در مدرسه‌ی علمیه‌ی دیگر که همان برنامه‌های درسی را دارد این‌گونه نیست! این‌ها حاکی از این است که در عین حال که ساختارها اثر دارد، رفتار و مدیریت‌ها هم مؤثر است. اگر نظام حاکم بر آموزش و پرورش ما اجرای سند (۲۰۳۰) باشد خروجی آن یک‌جور است و اگر نظام حاکم بر اساس طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد، خروجی آن جور دیگری است. من می‌خواهم بگویم با همه‌ی این احوال اگر رفتارهای ما درست باشد یک بخش عمده‌ای از مشکلات قابل حل است.

فرهنگ پویا: پس می‌فرمایید هم مشکلات رفتاری وجود دارد و هم مشکلات ساختاری هست؟

- بله. همین‌گونه است؛ چون وقتی که ساختار را نگاه می‌کنیم، یک دفعه می‌بینیم با روش (۲۰۳۰) می‌خواهند مدرسه‌ای را اداره کنند؛ یا؛ مثلاً می‌بینیم طرح عفاف و حجاب چندین سال است آماده شده و بیست یا سی دستگاه باید برای اجرای آن تلاش کنند؛ اما این اتفاق نمی‌افتد! هر مسئولی که باید آن را اجرا کند، باز او برای خودش آن را کم و زیاد می‌کند و تغییرش می‌دهد. این موجب می‌شود این ساختار به مرحله‌ی اجرا نرسد. همین تغییرات افراد در ساختارها به رفتارهای ما برمی‌گردد! چون ساختار را کجا مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی باید اصلاح کند. ولی وقتی من یک رفتاری دارم که باید همه چیز در راستای منافع من باشد، خود این موجب می‌شود که من به خود اجازه دهم ساختار را هم اصلاح کنم.

فرهنگ پویا: با توجه به مهم‌ترین اولویتی که شما در عرصه‌ی فرهنگی قائل هستید، مهم‌ترین دغدغه‌های مجلسی‌ها در حوزه‌ی اخلاق و معنویت چه باید باشد؟

- باید دید مهم‌ترین عرصه کجاست؟ به نظر من یکی از عرصه‌های خیلی مهم خانواده و آموزش و پرورش است. ما اگر خانواده و آموزش و پرورش را بتوانیم اصلاح کنیم کار بسیار بزرگی انجام داده‌ایم. ما الان در بحث خانواده هم در تشکیل و هم در استمرار آن، مشکلات زیادی داریم. اگر این مشکلات در این حوزه حل نشود در سایر بخش‌ها هم حل نمی‌شود. مسئله بعدی، در کنار خانواده آموزش و پرورش است؛ چون آموزش و پرورش ابزاری است که برای تربیت نسل آینده، در اختیار خانواده قرار می‌گیرد. آموزش و پرورش چهار ساعت از وقت دانش‌آموز را در اختیار دارد.

بنابراین از یک معلم که حداقل با بیست شاگرد سر و کار دارد، نمی‌توان انتظار تحول اساسی داشت؛ ولی خانواده که دل‌سوزی بیشتری نسبت به فرزند خود دارد و با تعداد کمتری سر و کار دارد، نقش تربیتی مؤثرتری را می‌تواند ایفا کند. خانواده حتی می‌تواند آن نواقص که در آموزش و پرورش یا دانشگاه دیده می‌شود رفع کند و حتی مطالبه‌گری هم داشته باشد؛ مثلاً مقام معظم رهبری در خاطرات خود می‌گویند: «ما که خیلی کوچک بودیم روز عرفه که می‌شد، مادر، ما را در حیاط خانه می‌بردند و اعمال روز عرفه را با آن مستحباتی که داشت، انجام می‌دادیم! و این‌ها خاطرات خیلی خوشی است که در ذهن ما مانده است.» این نشان می‌دهد که قدم اول خانواده است و قدم‌های بعدی برای سایر نهادهای آموزشی است.

نشریه فرهنگ پویا: گاهی اوقات مهم‌ترین دغدغه‌ها در عرصه‌ی فرهنگ که؛ مثلاً فرمودید باید بحث خانواده باشد، این اولویت‌ها تغییر پیدا می‌کند و برای مرکزی امثال مجلس، ورود بانوان به ورزشگاه‌ها و یا اجرای موسیقی و کنسرت در مراکز عمومی، اولویت می‌شود. آیا واقعا با این اولویت می‌تواند مشکلات اجتماعی فرهنگی را در تربیت معنوی حل کرد؟

- البته مشخص است این‌ها رنگ و بوی اولویت واقعی ندارد و بیشتر اهداف سیاسی پشت آن قرار دارد. در هر حال به نظر من همان‌گونه که آقا فرمودند: «این اخلاق و معنویت نیاز اصلی جامعه است» و بعد از آن، این جمله را دارند می‌گویند: «اگر این دو نیاز برآورده شود، به رغم مشکلات مادی و اقتصادی، آن جامعه، بهشت است و اگر این دو نبود، هرچند رفاه مادی وجود داشته باشد، جهنم است.» این مسئله باید برای مسئولین ما جا بیفتد اگر با همه‌ی این تحریم‌ها، مشکلات و همه ناراحتی‌ها، شما به این دو برسید، بهشت را برای جامعه فراهم کردید.

فرهنگ پویا: با این وجود آیا می‌توانیم بگویم ارتباطی بین رفاه مادی با اخلاق و معنویت وجود ندارد. کما این که برای آمار طلاق در کشور می‌گویند: شانزده درصد از ازدواج‌ها، منجر به طلاق می‌شود؛ ولی می‌گویند در بالا شهر تهران که رفاه مناسبی وجود دارد، این آمار به پنجاه درصد می‌رسد؛ یعنی زندگی‌های خانوادگی با وجود رفاه آن‌چنان جهنمی می‌شود که اصلاً نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند!

- بله. با این‌که از نظر مادی در اوج رفاه هستند و هیچ مشکلی ندارند؛ ولی کار آن‌ها به طلاق می‌انجامد. وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم عامل اصلی خلأهای معنوی و اخلاقی است. به هر حال سیاست‌گذاران جامعه باید این درک را داشته باشند که نیاز اصلی اخلاق و معنویت است و باید روی این کار کرد. ببینید الان برای نیازهای جسمی، بهداشت و سلامت جسمی، چقدر دانشگاه علوم پزشکی در سطح کشور کار می‌کند، چقدر بیمارستان و مرکز بهداشت ایجاد کردند. اگر قرار است که اخلاق و معنویت یک نیاز اصلی باشد، فکر می‌کنم اهمیت آن اگر نگویم بیشتر، حداقل مثل نیازهای بهداشت و سلامت است. ما چقدر دانشگاه اخلاق و

گسترش معنویت در سطح اجتماعی را داشته باشند و برای آن برنامه داشته باشند. من فکر می‌کنم در این سال‌ها خصوصا دوره‌های اخیر ما تاحدی جنبه‌های اخلاقی، معنوی و دغدغه‌های آنان در این حوزه را نادیده گرفته‌ایم.

فرهنگ پویا: ما یک مشکلی داریم که در ایام انتخابات دچار یک شعارزدگی می‌شویم و تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم؛ مثلا اگر کسی همانند جنگ صفین بیاید فقط قرآن بر سر نیزه‌ها بکند و بگوید قرآن بین ما حاکم باشد، ما فقط این شعار را می‌بینیم و فریب می‌خوریم. شما چه توصیه‌ای دارید؟

- بله. همان‌گونه که فرمودید، افراد در این ایام شعار مبارزه با فساد، شعار دغدغه‌های فرهنگی، من نگران نهاد خانواده هستم و... می‌دهد؛ اما این‌که آیا واقعا این آقا دغدغه‌ی فرهنگی دارد، برای این کارها برنامه دارد، یا برنامه ندارد و یا آیا برنامه‌های او کارساز هست یا نیست؟ در واقع مردم باید در انتخابات این‌ها را بررسی کنند و درست تشخیص بدهند. در این دوران که رفتارها بسیار پیچیده شده است؛ لذا در این دوره احساس می‌شود که مردم در این تجربه‌ی مردم‌سالاری دینی خود باید قدری عمیق‌تر شوند و افرادی را به مجلس بفرستند که دغدغه‌های فرهنگی بیشتری داشته باشند. مردم باید بدانند که فاصله‌ی بین شعار و عمل، خیلی زیاد است. بسیاری از افراد دستشان به جیبشان می‌رسد و یا از جیب دیگران می‌آیند تبلیغ می‌کنند و شعارهای مختلف می‌دهند. ما نباید فقط به صرف این گفته‌ها اکتفا کنیم. باید ببینیم عملکرد این افراد در گذشته چگونه بوده آیا آدم صالحی هستند یا نیستند. در همین انتخابات اخیر ریاست جمهوری دیدیم آن کسی که آن قدر علیه او تبلیغات کردند و ایشان را تخریب کردند، عملکرد همین چند ماه اخیر ایشان در سمتی که آقا منصوبشان کردند، چقدر توانسته نظر مردم را جلب کند و سرمایه‌ی اجتماعی نظام را بالا ببرد. به نظر من نخبگان هم باید تا اندازه‌ی وارد شوند. این‌ها را باید به مردم منتقل کنند با یک نگاه دقیق و آمار و غیرجانبدارانه اگر بتوانند به مردم توضیح دهند فکر می‌کنم این تعمیق برای مردم اتفاق بیفتد.

فرهنگ پویا: از این‌که وقت شریف خود را در اختیار این نشریه گذاشتید سپاس‌گزاریم.

معنویت داریم؟ چند مرکز برای درمان افرادی که مشکل اخلاقی و معنوی دارند، وجود دارد؟ اصلا چقدر جامعه را برای مراجعه به چنین مراکز ترغیب و تبلیغ می‌کنیم؛ مثلا برای پیش‌گیری از فلان مشکل اخلاقی، به آن مرکز مراجعه کنید؟ اصلا ما زمینه‌های آن را هم آماده نکردیم که افراد برای درمان مشکلات اخلاقی و معنوی خود به کسی یا مرکزی باید مراجعه کند. به هر حال در هر جهتی این مشکلات وجود دارد؛ از جهت آموزشی، پژوهشی و... باید برای مردم فرهنگ‌سازی کرد که باید برای حل این‌گونه مشکلات، به افراد و مراکز مراجعه کنند. باید برای این یک تلقی جدی، خصوصا در میان مسئولین اتفاق بیفتد، تا کم کم بشود آن را در جامعه هم ترویج داد.

فرهنگ پویا: در کشور ما واقعا مجلس در رأس امور است. به نظر شما مجلس آینده چگونه مجلسی باید باشد که بتواند به این دغدغه‌ها پردازد؟

- در میان عرایض من اشاره‌ای داشتم همان‌گونه که آقا گفتند، ما انتظار زیادی نداریم؛ در درجه‌ی اول خود مجلسی‌ها، اخلاقی و معنوی باشند؛ مثلا کسی که گذشته‌ی او نشان می‌دهد که اهل زد و بند و اهل تعامل بوده، هرگز نمی‌تواند یک نماینده‌ی مناسبی برای مردم در قوه‌ی مقننه باشد؛ چون او به یک جایی دست می‌یابد و بر مسندی می‌نشیند که لغزشگاه است و کسی که از جهت اخلاقی و معنوی خود را نساخته باشد قطعا از آن به عنوان یک پله‌ی ترقی برای خود استفاده می‌کند. در مقابل مثالی بزنم، یکی از آقایان را چند روز پیش دیدم صحبت می‌کردیم، ایشان کاندیدای خبرگان یکی از استان‌ها در انتخابات اخیر بودند، یک رقیبی هم داشتند که آن رقیب؛ رقیب اصلی بود، ایشان کاندید شده بودند تا انتخابات گرم شود؛ بنده خدا می‌گفتند هیچ‌کاری هم نکرده بود؛ نه پوستری زده بود، او گفته بود که من می‌خواستم اگر سخنرانی هم می‌کنم، به همه بگویم بروید به ایشان رأی بدهید! شما این روحیه را ملاحظه بفرمایید، این وقتی در مجلس هم برود نفسانیت در او مطرح نیست. در او دغدغه‌ی حاکمیت دین خدا، مطرح است؛ اما کسی که می‌آید از حلال و حرام و از هرجایی استفاده می‌کند تا بیاید و به یک جایی برسد، معلوم است که این فرد اگر وارد مجلس هم بشود، سر از بحث خودرو و... درمی‌آورد. به نظر من در درجه‌ی اول باید صلاحیت اخلاقی و معنویت شخصی این افراد تأیید شود و در درجه‌ی دوم واقعا آقای نماینده دغدغه‌ی

اگر بشیریت بخواهد
استعدادهای بالقوه‌ی خود
را تا رسیدن به کمال، تبدیل
به بالفعل کند، راهی ندارد
مگر این که ربوبیت الهی،
سلسله مراتب ولایت الهی و
انجام عمل صالح خالصانه به
صورت فردی و جمعی را
پذیرد.
اتصال به نامحدود می‌تواند
انسان را به نامحدود شدن
نزدیک کند؛ چون این
استعدادهای متعددی که
در انسان است، در صورتی
بالفعل می‌شود که بتواند به
آن نامحدود خدای متعال
نزدیک شود. از این رو انسان
هر چقدر نزدیک‌تر شود،
استعدادهای او بیشتر به
فعلیت نزدیک می‌شود